

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/09/24

### اعتراف عمر بن عبد العزيز به جنایت های حجاج :

عمر بن عبدالعزیز روایتی دارد که خیلی جالب است، می گوید: اگر در قیامت همه اقوام و ملت ها جنایتکارترین فرد خود را بیاورند و در یک کفه ترازو بگذارند و ما هم حجاج مان را در یک کفه بگذاریم، حجاج ما جنایتکارتر است از تمام جنایت کاران همه اقوام و ملل. این حجاج با این کارهایش می گوید: **انی لا اعمل الا بوحی.**

وقتی شما این روایات را کنار هم بگذارید می بینید که برای این که برای خلفاء (لايعملون الا بوحیه) را تثبیت کنند، شروع می کنند به این که از مقام پیامبر بکاهند و می گویند پیامبر هم آن گونه نبود که همه چیز را از وحی گرفته باشد بلکه عمر هم تشریح می کرد، اصحاب هم تشریح می کردند. به تعبیر یکی از علماء اینها که نتوانستند مقام خلفاء را به مقام پیامبر برسانند، آمدند و مقام پیامبر را پائین آوردند. شما در مورد عمر ببینید که اینها چه می گویند؛ در مقام اختلاف بین عمر و پیامبر که به 18 مورد می رسیده، جبرئیل نازل می شد و در تأیید عمر و مخالف با رسول خدا آیه می آورد. در این صورت و با وجود این روایات دیگر برای شریعت چه می ماند؟ در این صورت آیا می توان گفت که این پیغمبر همان رسولی است که برای نجات مردم از سوی خداوند عالم آمده است؟ آیا با وجود این روایات برای پیغمبر عصمت و قداستی هم می ماند؟ اگر بگوئیم که در این 18 مورد جبرئیل مطابق با عمر آیه نازل کرد و رسول خدا در این موارد - نستجیر بالله - اشتباه کرد، چگونه می توان یقین کرد که بقیه موارد مطابق با واقع است و خطا نمی باشد؟ آیا با این نمونه هایی که شما می آورید سایر دستورات نبی مکرم زیر سؤال نمی رود؟

علي اي حال، این روایات اهل سنت بود که عرض کردیم. یکی، دو جلسه هم راجع به اقوال علماء اهل سنت در این باره سخن می گوئیم؛ مثلاً وقتی عبدالله بن عمر وارد مسجد می شود و می گویند الصلوة خیر من النوم، می گوید: مرا از مسجد بیرون ببرید تا این بدعت ها را نشنوم. که در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت.